



عبداله مستوفی در کتاب خاطر ایش (شرح زندگانی من) ماجرای ساخته شدن خیابان پهلوی (ولی عصر^(ع)) را این طوری تعریف کرده که رضاشاه تصمیم می‌گیرد کاخ تابستانی‌اش را در سعدآباد یک جوی به کاخ زمستانی‌اش (کاخ مرمر) وصل کند. مهندسین فر دوسی، یکی از مهندسان شهر داری تهران که خیلی از خیابان‌های آن سال‌ها را ساخته بود، برای این کار انتخاب شد. راست و دروغش با عبداله مستوفی که تعریف کرده رضاشاه مهندس را صدا کرده کاخ سعدآباد و گفته اینجا یک سنگ بگذارد، مهندس هم گذاشته. رفته‌اند جلوتر، باز گفته یک سنگ بگذارد، گذاشته. همین طور رفته‌اند و مهندس سنگ گذاشته تا قنات باغ فر دوسی. آن‌جا دیگر رضاشاه گفته حالا همین راه را بگیر و برو تا تهران! خیابان ولی عصر^(ع). این طوری متولد شد. عکس اولین روزهایش را هم که همین بغل می‌بینند

خیابانی که تاریخ پر و پیمانی دارد

چه کسی چنار را کاشت؟

۲۲ آبان ۱۳۱۲ در مجلس شورای ملی قانونی تصویب می‌شود با عنوان احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها. این قانون راه را برای شهر دار رضاخان، کریم بوذرجمهری، باز می‌کند تا دستور تخریب دیوارها و دروازه‌های تهران را بدهد و تهران کوچک قجری را به تهران درندشت امروزی تبدیل کند. قبل از آن فقط یک جاده خاکی بود که از بیج شمیران در مرز شمالی تهران (خیابان انقلاب) راه داشت به دهات شمیران و مناطق خوش آب و هوا و اعیان نشین آنجا. آن موقع‌ها به آن می‌گفتند جاده قدیم و امروز اسمش خیابان دکتور شریعتی است. بعد که این خیابان ساخته شد، راه جدید شمیران محسوب می‌شد.

البته قبل از آن، در زمان قاجار، پایین ترهای خیابان ولی عصر^(ع) به صورت تکه تکه وجود داشت که آنها هم جزو خیابان‌های جدید و خارج جکی شهر و برای قدم زدن شاهزاده‌ها و اعیان بود و دوروبرش کاخ‌ها و باغ‌های نامداران قجری؛ از باغ فرمانفرما و کامران میرزا گرفته تا باغ اقبال الدوله (این باغ‌ها حالا به ترتیب شده‌اند کاخ مرمر، دانشکده افسری و بیمارستان نجات). رضاخان که آمد، اول کلی باغ قجری را صاف کرد و خیابان را تا راه آهن ادامه داد. بعد هم بوذرجمهری خندق‌ها و دیوارهای دور تهران را درب و داغان کرد و راه برای ادامه دادن جاده باز شد. تا ۱۳۱۱ شمسی جاده هنوز خاکی بود. با رسیدن آسفالت به تهران، این خیابان و چند خیابان مهم دیگر تهران آسفالت شدند تا راه برای عبور ماشین‌های مرفهین بی‌درد، درست شود، اگر چه هنوز کسی آن بالاها زندگی نمی‌کرد. بعد از ۱۳۲۰ که شهر تهران برای توسعه شتاب گرفت، هر کسی وضعیتش بهتر بود، در امتداد دو خیابان منتهی به شمیران (جاده قدیم یا شریعتی و جاده پهلوی یا ولی عصر^(ع)) بالا رفت و هر کس وضعیتش ناچور تر بود، در امتداد دو خیابان منتهی به ری (خیابان ری و جاده قم) پایین رفت. تهران بزرگ و بزرگ تر شد و آن خیابان قدیمی آرام آرام به ولی عصر^(ع) امروزی تبدیل شد.

درباره یکی از خاطر‌سازترین مکان‌های این خیابان

مهر مهر امامزاده صالح^(ع)

امیر حسین مدرس

روزگاری آنها که از تکیه بازار چه تجریش دست دلشان را می‌گرفتند و پس از تسبیح فروش سر نبش، قصد ورود به امامزاده صالح بن موسی الکاظم^(ع) می‌کردند، در ختی سستبر، قدبلند و پرشاکسار سلامشان می‌کرد. گویی استقبال کنندهای کهنسال که یادگار سال‌ها نیاز و درماندگی و شوق زائران را در لابه‌لای شاخه و برگش نهفته، آغوش گشوده است. اکنون اما از آن پیر سال و ماه که وفادار بار بود، اثری نیست و به جایش گنبد و گلدسته‌ای است که از دور چشم‌ها را می‌نوازد و دعوت می‌کند به بوسه‌ای بر ضرب و دستی به نشان ارادت بر سینه. به پندار من، تهران همچون طومار گسترده‌ای است با میلیون‌ها امضای رنگارنگ و در تردد که آغاز و انجام این طومار را حضرت امامزاده صالح^(ع) در شمیران و حضرت عبدالعظیم حسنی^(ع) در ری مهر مهر زده‌اند. آستان مطهر حضرت صالح^(ع) بناگاهی است برای هر آنکه آستین پاره‌ای دارد و دل شکسته‌ای و جان نیازمندی. کم پیش نیامده که به هنگام تشریف، کسی را در حال رازگویی و اشکباری و نیاز ندیده باشی و چه حاجت‌ها که به واسطه فیض این بزرگ‌زاده روا شده است... آنجا را دوست دارم؛ همان گونه که بارگاه جلالی و جمالی حضرت سلطان توس علی بن موسی الرضا^(ع) را و همان گونه که آستان ارجمند حضرت سیدالکریم عبدالعظیم حسنی^(ع) را؛ به ویژه آنکه زمانی در غبار رویی ضریح مطهر حضرت صالح^(ع) مشرف بودم و همچنین توفیق زیارت قبر آن جناب در سرداب و زیرزمین را داشته‌ام. ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید/ هم مگر لطف شما پیش نهد گامی چند...



چرا خیابان ولی عصر^(ع) برای ما این قدر مهم است؟

زیرگذر عاشقی

منصوره مصطفی زاده

این همه خیابان در تهران هست، این همه خیابان در ایران؛ حالا چرا ولی عصر^(ع)؟ مگر این خیابان چی دارد که بقیه خیابان‌ها ندارند؟ اگر قضیه همین چنارهای دراز و قدیمی است، که در ایران چنار ۱۲۰۰ ساله‌اش هم هست، اگر به طول و عرض خیابان است که جاده تهران - مشهد طولانی تر است، اگر هم به جوی آب است که در رودخانه زاینده رود هم الان یک جوی بزرگ شده با همان حجم آبی که در جوی‌های ولی عصر^(ع) جاری است! به نظر می‌رسد همه ماجرا این نیست. ولی عصر^(ع) برای تهرانی‌ها و تهران دوست‌ها، بخشی از هویتشان است؛ مثل یک خاطره دوست داشتنی که می‌شود توی یک روز گرم به‌اش فکر کرد و خنک شد.

درخت و سایه

فقط هم که پیاده‌رو شرط نیست، و گر نه خیابان آزادی هم پیاده‌روهای بزرگی دارد. اینکه پیاده‌رو به درد راه رفتن بخورد، شرط است. خیابان‌های شرقی - غربی تهران، به خاطر آفتابگیر بودن و جهت وزش باد خیلی به درد پیاده‌روی نمی‌خورند.

تنوع

مرکز خرید پر طرفدار، آنهایی هستند که اجناسشان متنوع باشند. ملت دوست دارند با خانواده بروند بیرون، برای هر کس یک چیزی بخرند و برگردند خانه. خیابان ولی عصر^(ع) (این ویژگی را دارد؛ از لوازم خانگی و ماشین آلات صنعتی بگیر تا اسباب‌بازی فروشی و کیف و کفش، همه‌شان در هر جای خیابان پیدا می‌شوند.

به‌روز بودن

این روزها مغازه‌های سراسر خیابان به شکل امروزی درآمده‌اند، رستوران‌های جدید کنار قهوه‌خانه‌های قدیمی باز شده‌اند و فروشگاه‌های با اصل و نسب قدیمی و مدرن امروزی کنار هم باعث شده خیابان ولی عصر هم شخصیت قدیمی‌اش را حفظ کند و هم به تکرار و کهنگی نیفتد.

پاتوق‌ها

پاتوق‌های معروف در خیابان ولی عصر^(ع) کم نیستند؛ از ساندویچی‌های قدیمی و رستوران‌های سنتی گرفته، تا امامزاده صالح^(ع) و چنار معروفش. پارک ملت که اول و آخر همه تفریح‌های خانوادگی است، تئاتر شهر و پارک دانشجو که پاتوق هنری‌هاست.

باریکی

خیابان اگر خیابان باشد، شما باید بتوانید راحت بپیرید آن سمت، دو تا بستنی برای خودتان و بیچه خواهرتان بخرید و برگردید همین سمت. خیابان‌هایی که میله‌های بلندی وسطشان دارند یا یک مانع برای قدم زدن در عرض خیابان داشته باشند، به درد خاطر ه شدن نمی‌خورند.

بافت مسکونی

در برنامه‌ریزی شهری می‌گویند اگر منطقه‌ای را از بافت مسکونی خالی کردی، آن منطقه را کشته‌ای. محله جایی است که خانه آدم باشد و مردم هم محله‌شان را دوست دارند و برایش از خودشان مایه می‌گذارند. خیابان ولی عصر^(ع) برخلاف خیلی از خیابان‌های قدیمی تهران تا الان از این خطر جسته.

برای اینکه معلوم شود چرا خیابان ولی عصر^(ع) چیز ویژه‌ای است، هم از ایده‌های خودمان کمک گرفته‌ایم و هم رفته‌ایم سراغ استادان شهرسازی. مهندس احمد سعیدینیا (استاد بازنشسته دانشگاه تهران) در این مورد خیلی کمکمان کردند.

درازی

همین که پلاک بناها در این خیابان از یک در میدان راه‌آهن شروع می‌شود و به ۱۰۰۰ واندی در حوالی تجریش می‌رسد، خودش کلی هیجان‌انگیز است. فکر کنید آدم آدرس خانهاش را این طوری بدهد: خ ولی عصر^(ع)، پلاک ۱۱۰۰۲ طول خیابان را با اغراق تا ۲۵ کیلومتر هم گفته‌اند؛ ما درستش چیزی حدود ۱۸ کیلومتر است. این برای تهران که کلاز شمال تا جنوبش ۲۵ کیلومتر است، رکورد بالایی است؛ یعنی ولی عصر^(ع) نزدیک ۷۰ درصد تهران را طی می‌کند.

پیوستگی

مهم است که یک خیابان از سر تا ته‌اش یک شکل باشد، عرضش کم و زیاد نشود، اسمش یک چیز باشد و خلاصه مردم آن را به عنوان یک خیابان بشناسند. ماجرا وقتی جالب تر می‌شود که این خیابان در امتداد شمالی و جنوبی تهران - یعنی در امتداد تغییر ارتفاع و البته تغییر در آمد تهرانی‌ها - گسترده شده باشد. این طوری خیابان ولی عصر^(ع) طبقات مختلف را مثل زنجیری به هم وصل کرده و باعث پیوستگی در شهر شده است.

پیاده‌روهای وسیع

خاطر، ه مال خیابانی است که بشود توی پیاده‌روهایش قدم زد، ایستاد، نقطه نقطه‌اش را به خاطر سپرد و بعد به یاد آورد. بعد از بازسازی پیاده‌روهای سراسر خیابان ولی عصر^(ع) که پارسال انجام شد، راه برای قدم زدن هموار تر هم شد. حالا می‌شود با خیال راحت توی پیاده‌روهای ولی عصر^(ع) قدم زد و مثل خیابان‌های دیگر تهران، هر لحظه نگران خالی شدن زیر پا هم نبود.

خرید و تفریح

اینجا ایران است و تا اطلاع ثانوی مهم‌ترین تفریح ملت ما خرید کردن و خوردن است. برای همین هم خیابان‌هایی که مغازه‌های زیاد و رستوران‌ها و آبمیوه‌فروشی‌های فراوان داشته باشند، بهترین گزینه‌ها برای تفریح مردمند. خیابان ولی عصر^(ع) هم که نه از خوردنی کم و کسر دارد، نه از مغازه‌های ریز و درشت. از بورس‌های لوازم ورزشی و وسایل پزشکی بگیر، تا فروشگاه‌های ارزان‌فروشی. البته نمی‌شود این را هم نادیده گرفت که سهم زیادی از سینماهای تهران، کلی پارک معروف و مهم و تقریباً مهم‌ترین تالار نمایش ایران (مجموعه تئاتر شهر) هم در حاشیه همین خیابان هستند، که یعنی فرهنگ دوست‌ها و شکم دوست‌ها همه با این خیابان حال می‌کنند.